

### متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد گرامی انصافا نیاز نیست همه فلسفه را بفهمند ولی بسیار عجیب است که فلسفه را نفهمیده بر آن نقد بنویسی در آن وبلاگ نقدی هم نوشته بر اصالت وجود که حقیر با اینکه اطلاعات چندانی در فلسفه ندارم بر آن نقد مختصری نوشته ام دوست دارم نظر شما را بدانم: جملات نقاد اصالت وجود: (- درست است که یک چیز - مثلا سیب - ممکن نیست مصداق چند عنوان مانند سیب، گلابی، چوب، انسان، صندلی و... باشد وگرنه لازم می‌آید که یک چیز چند چیز باشد، اما تمامی مفاهیم چنین نیستند چنانکه مثلا همان سیبی که مثال زدیم به نحو یکسان مصداق واقعی مفاهیمی مانند سیب، کره، موجود، شیء (چیز)، میوه، واحد و... می‌باشد و هرگز هم لازم نمی‌آید که یک چیز چند چیز باشد. در مورد وجود و ماهیت هم امر کاملا همین طور است و هر واقعیت خارجی به نحو یکسان مصداق واقعی وجود و شیئیت و ماهیت و... می‌باشد و هیچ اشکالی هم لازم نمی‌آید. - معنای ماهیت نیز بر اساس دو دیدگاه فوق کاملا متفاوت می‌باشد، چه اینکه شخص موحد و الهی ماهیت اشیا را عین واقعیت و هویت قابل وجود و عدم حقیقی آن‌ها می‌داند که به ایجاد خالق متعال موجود شده، و بر اساس آفرینش حق متعال، به نحو یکسان هم مصداق واقعی وجود و موجودند، و هم مصداق واقعی ماهیت و شیئیت؛ بلکه مصداق واقعی عناوین دیگری مانند: حادث، مقداری، متجزی، و... نیز می‌باشند، و البته چنانچه خداوند متعال آن‌ها را معدوم و نیست فرماید (که فلسفه و اصالت وجود این امر را محال می‌داند!) مصداق عینی هیچ‌کدام از این عناوین نخواهند بود.) نقد حقیر: ۱- این حرف زمانی درست است که ما ثابت نماییم وجود اشتراک لفظی است در آن صورت اتحاد ماهیت و وجود و یکی دانستن آنها بی اشکال هست ۲- اگر شی خارجی مصداق هم ماهیت و هم وجود است پس آثار شی خارجی هم باید مربوط به هر دو باشد از طرفی چون بدیهی است در ماهیت تشکیک نیست و ماهیت در ذهن همان ماهیت شی خارجی است پس باید آثار شی خارجی در ذهن هم باشد و مشخص است که چنین نیست پس مشخص میشود آثار شی خارجی ربطی به ماهیت آن ندارد و از وجود است پس نمیتوان شی خارجی را مصداق بالذات ماهیت در نظر گرفت ۳- ایشان میگویند (مثلا مفهومی مانند سیب می‌تواند مصداق مفاهیمی مانند کره، موجود، شیء (چیز)، میوه، واحد و... می‌باشد و هرگز هم لازم نمی‌آید که یک چیز چند چیز باشد.) در صورتیکه مفاهیمی مانند کره و واحد مفاهیم عدمی هستند اصلا در بیرون مابازای خارجی ندارند و اتفاقا این حرف به جای اثبات حرف ایشان نقض حرف ایشان می‌باشد. با تشکر فراوان

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: بحمدالله به خوبی متوجه ضعف مستشکل شده‌اید، از طرفی مگر در فلسفه این اشکالاتی که مطرح کرده‌اند تماماً مطرح نشده و جواب کافی به آن‌ها داده نشده است؟ اشکال آن است که این بنده‌های خدا تلاش نمی‌کنند حرف فیلسوفان را بفهمند، با همهی وجود تلاش می‌کنند که نفهمند و این را کاری نمی‌توان کرد. چون بحث علمی در میان نیست، در بحث علمی تلاش دو طرف فهم موضوع است. بیشتر حالت مراء و جدال پیدا می‌شود و ما در اسلام دستور داریم که مراء را ترک کنیم و به همین جهت اساتید بزرگ وارد بحث با این افراد نمی‌شوند. موفق باشید